

مقدمه برت فراگنر بر گنجینه فرامین فارسی پادشاهان

ترجمه فاطمه پیرا*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۹/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۳/۱۳

چکیده

مقاله حاضر، ترجمه مقدمه پرفسور برت فراگنر بر کتاب گنجینه فرامین فارسی پادشاهان است که اسناد فارسی منتشر شده را تا سال ۱۸۴۸م. دربرمی‌گیرد. این مقدمه با نگاهی فراگیر به مرور بررسی‌های پژوهشگران و شرق‌شناسان جهان درباره اسناد و مدارک فارسی می‌پردازد که به زبان‌های مختلف به چاپ رسیده است. لذا ترجمه آن به زبان فارسی، گامی در جهت ارتقای دانش پژوهشگران ایرانی نسبت به سیر مطالعات آرشیوی در جهان درباره اسناد و فرمان‌های فارسی خواهد بود. برت فراگنر، کرسی‌های ایرانشناسی را در دانشگاه‌های برلین و بامبرگ آلمان برعهده داشت و از پایه‌گذاران مؤسسه ایران‌شناسی وین در فرهنگستان علوم اتریش می‌باشد.

کلیدواژه‌ها:

فرمان‌ها / فراگنر، برت ج. / گنجینه فرامین فارسی پادشاهان / شاهان و فرمانروایان / ایران

مقدمه برت فراگنر بر فهرستنامه اسناد فرمانروایان ایران^۱

پیش از دو دهه، هریرت بوسه، در مقدمه تحقیقاتش بر امور دیوانی اسلامی^۲ و بویژه در مقاله‌اش، «نگاهی جامع به تاریخ سندشناسی ایران: نتایج و مسائل آن»^۳، نمونه‌وار طرحی کلی از حوزه اسناد و فرمان‌های ایرانی به دست داد. البته تاریخ سندشناسی ایران، از زمان نشر این دو رساله پیشرفت‌های بسیاری کرده است. بیقین ارائه گزارش مفصل تحقیقاتی در این زمینه، از چارچوب این مقدمه فراتر خواهد رفت. از سوی دیگر، کاملاً موجه به نظر می‌رسد که فهرستنامه حاضر، پیشاپیش خلاصه‌ای از مهم‌ترین تحولات دو دهه اخیر بویژه آنچه را که مرتبط با انتشارات اسناد است، دربرمی‌گیرد.

مدت‌های مدید اسناد فارسی، صرفاً به طور پراکنده و در شمار اندکی منتشر می‌شد. انتشار این اسناد، نخست از مطالعاتی که در زمینه ارزیابی اسناد و مکاتبات دولتی و منشآت صورت می‌پذیرفت، عقب‌ماند.^۴ ابتدا در دهه پنجاه میلادی بود که اسناد موضوعی فارسی مرتبط با هم در دوره‌های بزرگی بویژه از بایگانی‌های ارمنستان و گرجستان منتشر شد.^۵

تقریباً به طور همزمان می‌توان علاقه‌مندی فزاینده دیگر کشورها را در تاریخ سندشناسی ایران مشاهده کرد! بوسه، در مقدمه ذکر شده بر مطالعاتش، این موضوع را برجسته کرده، بویژه در سخنرانی هانس روبرت رومر در همایش ایران‌شناسی کمبریج در ۱۹۵۴ که بیان کرده، وی انگیزه کارش را از او گرفته است.

این سخنرانی، در وهله نخست نگاهی چکیده و جامع از کارهای تاکنون منتشر شده، موجودی آرشیوهای مرتبط و گوشزدهای مربوط به گردآوری آتی ناظر بر اسناد فارسی ارائه می‌کند.^۶ این سخنرانی، چند سال بعد به همت ایرج افشار، مورخ و مرجع‌شناس ایرانی، در مجله فرهنگ ایران زمین ترجمه شد.^۷

به احتمال زیاد، این یک تصادف محض نیست که کمی پس از انتشار ترجمه فارسی مقاله رویمر، در خود

ایران انتشار اسناد بی‌شماری آغاز شد. اما بخش عمده آن، ابتدا پس از انتشار نگاه جامع یاد شده به قلم بوسه منتشر شد. از این رو، در این جا بندرت اشاره‌ای به سهم مهم مورخان متأخر ایرانی در تاریخ سندشناسی ایران - که بعدها حائز اهمیت شدند - یافت می‌شود.

تقریباً به طور همزمان، لایوس فتکه، خبره مجاری در تاریخ سندپژوهی عثمانی، نخستین بار بود که به نشر مسائل پژوهش در تحقیقات اسناد فارسی روی آورد.^۸ او به این مقاله، از جمله نسخه عکسی عنوان شناسنده فرمان تیمور از ۲۴ محرم ۸۰۴/۳ سپتامبر ۱۴۰۱ را افزود که در جای دیگری توضیح بیش‌تر درباره آن نیامده بود: «تاکنون، تنها سند اصل شناخته شده از این حکمران می‌باشد.» و با این کار، مقصود خود را به متخصصان اعلام کرد تا پژوهش‌های بیش‌تری در این زمینه ارائه دهند.

البته علاقه‌مندان، می‌بایست همچنان سی سال برای کشف رمز دستورهای تیمور صبر می‌کردند و این امر،^۹ به محض آن رخ داد که این سند را - که تا آن زمان هنوز در نزد خود نگاه داشته بود - سرانجام از ماترک دانشمندی که در این میان فوت شد، منتشر گردید.^{۱۰}

همچنین، از دهه پنجاه میلادی، نخستین تحقیقات دیپلماتیک ژان اوین^{۱۱} و کارهایی به قلم هریرت هورست، که بحق این مسئله را یادآور شد که «هر سند منتشر شده جدید، به اصلاح و توسعه شناخت کنونی ما از امور اسناد فارسی می‌انجامد.»^{۱۲}

به هر حال، می‌توان گفت که کارهای طرح شده در چارچوب زمانی فوق، سهم تعیین‌کننده‌ای در تثبیت تاریخ سندشناسی ایران به عنوان موضوع پژوهش شرق‌شناسی داشت. گزارش ورودی یاد شده از بوسه درباره وضعیت پژوهش مربوط از سال ۱۹۶۱ به اندازه کافی گواه این مسئله است.

طی مدتی طولانی، به نظر می‌رسید که گوئی شمار اسناد اصیل فارسی حفظ شده در مقایسه با اسناد به جا مانده از دیوان‌های سایر کشورها و مناطق اسلامی بسیار

محدود است. بویژه در خود ایران از نسخه‌های معدودی اطلاع داشتند. این امر، احتمالاً ناشی از آن بود که در ایران آرشیو ملی برای اسناد تاریخی وجود نداشت تا در آن انبوهی از اسناد نگاهداری شود. ممکن است عقب‌ماندگی تاریخ‌سندشناسی ایران نسبت به پژوهش امور اسنادی عثمانی نیز مرتبط با این امر باشد.

در آرشیوهای دولتی جدید ایران، کم‌تر منابعی یافت می‌شود که تقریباً قدیمی‌تر از یکصد سال باشد. چندین سال پیش (۱۳۴۹ش.) سازمان اسناد ملی ایران تأسیس شد که وظایف آن، عبارت است از: خرید، گردآوری و مستندسازی اسناد خصوصی؛ علاوه می‌باید اسناد تاریخی بتدریج از قبضه مراکز دولتی و نهادهای عمومی خارج شود و در این آرشیو جای گیرد.^{۱۳}

قطعاً تصادفی نبود که بخش چشمگیری از آثار متقدم مجموعه‌های بزرگ‌تر اسناد فارسی بر منابع گرجی و ارمنی مبتنی بود؛ چرا که آن‌ها سابقاً از مناطق تحت حاکمیت ایران بودند، که چندی است امور آرشیوی در آن‌ها تحول یافته و می‌توانست با امور آرشیوی مغرب زمین قیاس کردنی باشد.^{۱۴}

چنان‌که در بالا گفته شد، از دهه شصت میلادی، فعالیت‌های شرق‌شناسان غربی سبب شد تا علاقه‌مندی مورخان ایرانی در زمینه پژوهش‌های امور اسناد فارسی در کشور، خود به طور فزاینده‌ای افزایش یابد. به لطف زحمات آن‌هاست که اسنادی تا آن زمان غیرقابل دسترسی و بویژه اسنادی که در تملک خصوصی بود، به بهره‌وری مراکز علمی رسید.

برای نشان دادن بعد فعالیت‌های دیپلمات‌های ایرانی، این تشبیه می‌تواند مفید باشد: بوسه در پژوهش‌هایش، تمامی اسناد منتشر شده فرمانروایان دوره‌های ترکمن و صفویه را - که او شناخته بود - در نمایه‌ای همراه با فهرست‌نویسی اسناد گرد آورد که به ۹۱ سند رسید.^{۱۵} فهرستنامه حاضر (وضعیت: نیمه اول ۱۹۷۹)، به هرحال ۵۹۵ سند را برای همان دوره نشان می‌دهد. بخش اعظم تفاوت این اسناد به طور عمده در گرو فعالیت‌های

انتشاراتی همکاران متخصص ایرانی است. بویژه حاصل تلاش آنان در حوزه عرصه بهره‌وری از اسناد قاجار حتماً چشمگیرتر است: حدود سال ۱۹۶۰م. هنوز اسناد بسیار معدودی از قرن نوزدهم شناخته شده بود.

ما از دوره‌های فرمانروایی آقامحمدخان، فتحعلی‌شاه و محمدشاه (درگذشته ۱۹۴۸) تاکنون ۱۱۳ فرمان منتشر شده شناسائی کرده‌ایم؛ اما در این میان اسناد منتشر شده ناصرالدین شاه (۱۸۴۸-۱۸۹۶) چنان گسترده است که امکان ورود آن‌ها به این فهرست دیگر وجود نداشت. ضمناً باید توجه داشته باشیم که انتشار این منابع قاجاری - منظور فقط فرمان‌های فرمانروایان است - تقریباً همگی برگرفته از سندپژوهان ایرانی است.

بدون شک تأسیس مجله تخصصی بررسی‌های تاریخی، گام بلندی در تاریخ‌سندشناسی ایرانی بود. جزئیات بیش‌تر در این باره غریب است؛ این مجله، در سال ۱۳۴۵ش./۱۹۶۶-۱۹۶۷م. با همت چندین مورخ ایرانی از جمله سرهنگ جهانگیر قائم‌مقامی، نخستین و زماندارترین سردبیر مجله، پدید آمد و ستاد کل ارتش ایران منتشر می‌کرد. استعداد سازماندهی قائم‌مقامی و اشتیاق شخصی‌اش به امور اسناد ایرانی، سبب شد که مجله بررسی‌های تاریخی، بزودی به محل اصلی انتشارات تحقیقات‌سندشناسی ایران مبدل شود.

از زمان تأسیس این مجله، علاوه بر شمار بسیار انتشارات منفرد از اسناد در ایران، انتشار مجموعه‌های گسترده‌تر و مرتبط‌تری از جمله اسناد خانوادگی یا آرشیو مؤسسات مذهبی، یا به عرصه وجود گذاشت.^{۱۶}

یکی از نقاط اوج این تحول، با انتشار گسترده اسناد فرمانروایان و حاکمان، اسناد خصوصی، اسناد اوقاف و غیره، از حومه شهر گرگان (استرآباد پیشین) به دست مورخانی چون منوچهر ستوده و مسیح ذبیحی^{۱۷} مشخص می‌شود؛ حاصل زحمات آنان با فعالیت‌های گردآوری مدرسی طباطبائی متکلم و دیپلمات از قم مشابه است، که با اثر دو جلدی خود، (تربت پاکان)، یک اثر منتشر شده چشمگیر با اسناد و منابع غنی موطنش که مبنای



ارزشمندی برای تاریخ‌نگاری قم - که می‌باید نگاشته شود - به دست می‌دهد.^{۱۸}

این کارها، صرفاً نمونه‌وار برای مکتوبات دیگر و مشابه آن‌ها نام برده شد. شاید هم به این جهت آورده شد که گوئی سهم بزرگی در اسناد فرمانروایان برای کاوش‌های پربار فهرستنامه حاضر داشته است.

جای تأسف است که کار بوسه «تاریخ‌شناسی ایران در یک نگاه کلی»، از سال ۱۹۶۱م. دقیقاً در خود ایران، جائی که متخصصان بسیاری در سال‌های پس از آن، خود را وقف این موضوع کرده‌اند، هرگز در اذهان عمومی جای نگرفت؛ و گرنه شاید پیشرفت‌های بزرگ‌تری در زمینه تحقیقات‌شناسی به دست می‌آمد که پا را از انتشار کمابیش بدون تفسیر اسناد فراتر می‌گذاشت.

البته نویسندگان ایرانی نیز به شیوه‌های مختلف، خود را وقف بررسی و ترسیم کارهای گوناگون این دیوان‌ها و نهادها کرده‌اند. در میان آن‌ها بخصوص اثر قائم‌مقامی با مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی (تهران ۱۳۵۰ش.) است که باید برجسته شود. این، نخستین راهنمای تاریخ‌شناسی ایران است که در ایران منتشر شد. ممکن است مؤلف نیز در مواردی اطلاعاتی که منطقی نبوده و در جاهائی نادرست بوده، ارائه داده باشد و از جهات بسیاری از توضیحات بوسه عقب‌مانده باشد؛ اما وی با این کتاب، خدمت بزرگی به تحقیقات‌شناسی کشورش کرده است.

علاوه بر شناخت‌های تفصیلی، به طور مثال او نخستین بار یکی از انواع اسناد فرمانروایان صفوی را که تا آن زمان تشریح نشده بود، ارائه داد: در اصطلاح شجره‌نامه که به وسیله آن فرمانروایان صفوی، فرمان‌هایشان را به کارگزاران بلندپایه (خلیفه، خلیفه‌الخلفا) ابلاغ می‌کردند.^{۱۹} همان نویسنده در پژوهش‌های امور دیوانی شاهان هرمز، یکی از دولت‌های محلی جنوب ایران، سهم قابل تقدیری برعهده دارد.^{۲۰} مدرسی طباطبائی،^{۲۱} با رساله مختصر اما پربارش در عرف دیوانی عاملان مذهبی بلندمرتبه صفوی، صدرها، شناخته شد. همچنین، کارهای

عبدالحسین نوائی^{۲۲} قابل ذکر است که نخستین بار در ایران به شکل برجسته‌ای به ارزیابی آثار متعدد منشآت روی آورد.

صرف‌نظر از حاصل این زحمات، در آن زمان می‌توان فرض را بر آن نهاد که قوت تاریخ‌شناسی ایران در دو دهه اخیر، روی‌هم‌رفته بیش‌تر در عرصه انتشار اسناد تاکنون شناخته نشده است. بی‌یقین، این انتشارات با نیاز عاجل رشته تخصصی ما منطبق است.

اما در این‌جا به هیچ‌وجه نباید این استنباط پدید آید که گوئی از زمان کارهای بوسه، ابتکار پژوهش‌های سندشناسی ایرانی منحصراً به دست محققان ایرانی سپرده شده است. همچنین، از آن هنگام در خارج از این کشور سهم مهمی در حوزه این امور عرضه داشته‌اند.

در اتحاد جماهیر شوروی، اسناد ایرانی بی‌شمار دیگری منتشر شد، بویژه در تفلیس و باکو و همچنین در ایروان.^{۲۳} علاوه بر این، باید حاصل زحمات دانشمندان شوروی را در حوزه تاریخ‌شناسی آسیای مرکزی برجسته کرد. چرا که از جهات مختلف با امور دیوان‌های ایرانی پیوند دارد.^{۲۴}

محمد شفیق کوچک، شماری از اسناد دیوانی اوزون حسن را منتشر کرد که در توپقایپیسرای (استانبول) نگهداری می‌شوند. علاوه بر بهره‌وری از این اسناد، وی سهم بسزائی در پژوهش‌های امورات دیوانی ترکمن داشت.^{۲۵}

کامران اقبال، با رساله تحقیقاتی خود درباره شاهزاده عباس میرزا^{۲۶} - که اخیراً منتشر شده است - درآمدی بر تاریخ‌شناسی قاجار ارائه داده است. بی‌جهت نیست که هر دو نویسنده از شاگردان بوسه نبودند. صد و یک سند ایرانی از آرشیوهای اروپائی با اثری از ل. فکته^{۲۷} - که پس از مرگ وی در سال ۱۹۷۷ منتشر شده - برای جهان متخصصان شناخته شد.

گوتفرد هرمان،^{۲۸} با ارائه اثری در بررسی مناسبات اداری ایلخانان، جلایریان و تیموریان، شایستگی شایانی کسب کرد که علاوه آ. ایچ مورتون و ام. ای. ویور تاکنون سهم تعیین‌کننده‌ای در کشف اسناد یافته شده ایران داشته‌اند که تا به امروز جنجال‌برانگیز بوده است: بحث بر

مروری مفصل در منشآت - که بوسه قصد دارد به عنوان یک هدف نزدیک به آن بپردازد - به رغم سهم ارزشمندش در این حوزه - که ذکر آن گذشت - نادیده گرفته شد و باید همچنان پیگیری شود. کار اندکی برای توسعه شناخت ما در خطوط و مهرها صورت گرفته است.^{۳۴} بهره‌برداری از اسناد در تملک خصوصی، همچنان در ابتدای راه است. از آن‌ها بویژه یافته‌هایی درخصوص تاریخ اقتصادی انتظار می‌رود.

فهرستنامه حاضر، اسناد منتشره فرمانروایان ایرانی پیش از سال ۱۸۴۸م. را دربرمی‌گیرد. فهرست مشابهی از فرمان‌های منتشره فرمانروایان دوره متأخر قاجار را، می‌توان ادامه طبیعی در نظر گرفت. علاوه بر آن، از منابع شفاهی اسناد آتی یافت شده (منشآت، گاهشماری و غیره)، همینطور یک گردآوری از فرمان‌های منتشر شده شاهزادگان و والیان.

به نظر ما امور اسناد هندی به زبان فارسی نیز، هنوز زمینه‌ای است که کم‌تر شخم خورده است. من، جرئت نمی‌کنم برای این نخستین «گردآوری» اسناد فارسی به معنای^{۳۵} رویمر ادعای کامل بودن بکنم. فهرست منابع تنها مجموعه عظیمی از انتشارات شاخص را شناسائی کرده، از جمله چندین مورد از افغانستان که به گمان من، بیش‌تر بوی سند می‌دهد و با این وجود دسترس‌پذیر نبود.

هانس روبرت رویمر، در سال ۱۹۵۷ در یک سخنرانی درباره معضلات اسناد از برنارد لویز تذکری ارائه داده که تاریخ اعراب در اروپا طی مدتی طولانی به کرات از جانب مورخان عربی‌ندان یا از جانب عرب‌شناسانی بدون تخصص تاریخ نوشته شده بود. این تذکر با محدودیت‌های حوزه بزرگ‌تر جهان اسلام، بویژه به تحقیقات تاریخی ایران قابل انتقال است.^{۳۶}

روشن است که در این‌جا از آن زمان تاکنون تغییرات اساسی بسیاری برای بهبود این کار حاصل شده است. اهمیت شناخت بیش‌تر از اسناد و آرشیو در این‌جا درخور بحث نیست. امیدوارم این فهرستنامه اسناد، به محققان تاریخ ایران بهره‌گیری بیش‌تر را از اسناد تسهیل کند

سر گنجینه اسناد مقبره شیخ صفی در اردبیل است که تا سال ۱۹۷۰ ناشناخته بود و احتمالاً بیش از هشتصد سند و شمار بسیاری از دفاتر ثبت و معاملات را دربرمی‌گیرد.^{۳۹} این گنجینه یافته شده، نه تنها شناخت ما را از اسناد ایرانی از دوره قبل از مغول به میزان درخور توجهی غنا می‌بخشد، بلکه آرشیوهای را دربرمی‌گیرد که به سده دوازدهم بازمی‌گردد و در نتیجه، قدیمی‌ترین اسناد اصیل شناخته شده فارسی تاکنون نیز به شمار می‌روند. به طور همزمان اسناد بسیار قدیمی، بعضاً قبل از دوره مغول در میان حدود ۲۷ سند ایرانی بود که دونالد پی. لیتل در بهار ۱۹۷۹ آن‌ها را در کتابخانه‌ای در اورشلیم کشف کرد.

مثال‌هایی که در این‌جا فقط به گونه‌ای گراف برای تحول پژوهش‌های امور اسناد ایرانی در دو سده اخیر انتخاب شد، نباید ما را فریب دهد که تاریخ‌شناسی ایران هنوز هم وظایف بی‌شمار و مهمی برای غلبه پیش رو دارد.

اظهارات بوسه از سال ۱۹۶۱ تاکنون، هنوز روزآمد بودنش را از دست نداده است^{۴۰} که برای تحقیقات پس از صفویه بویژه در امور دیوانی قاجاری، صرف‌نظر از کار ذکر کرده اقبال، هنوز تنها تمهیدات اندکی در دسترس داریم. آنچه از پیگیری مفصل بوسه در تکامل فرم اسناد فرمانروایان برمی‌آید - چنان‌که در فهرستنامه حاضر نیز این نکته را ثابت می‌کند - تاکنون شرایط به طور چشمگیری بهبود یافته است.^{۴۱}

به طور مثال، در این باره به نکات زیر اشاره شود: امروزه امکان‌پذیر است که پیدایش نوع اسناد صفویه با تشریفات مقدماتی چون طغرای «فرمان همایون شرف نفاذ یافت»، برخلاف فرضیات پیشین - که این تشریفات در دهه سوم قرن شانزدهم میلادی پدیدار شده - باید آن را تا تاریخ نیمه نخست فرمانروائی اسماعیل اول عقب برد.^{۴۲}

البته موجب امتنان خواهد بود، چنانچه در آینده تغییرات شکلی اسناد فرمانروایان صفویه در سده شانزدهم مورد پژوهش‌های دقیق‌تری قرار گیرد. همچنین، مکاتبات فارسی فرمانروایان ایرانی - که در این میان بیش‌تر هم شده - چشم به راه مطالعات بنیادی‌تری است.^{۴۳}



و بدین طریق، سهمی در پیشبرد تحول یاد شده داشته باشد.



پی‌نوشت‌ها:

1. Fragner, G. Bert, Repertorium Persischer Herrscherurkunden: Publierte Originalurkunden (bis 1848), Freiburg im Breisgau: Klaus Schwarz Verlag, 1980.
 2. Busse, Heribert, Untersuchungen zum islamischen Kanzleiwesen an Hand turkemischer und dafawiwischer Urkunden (Abhandlungen des Deutschen Archäologischen Instituts kairo, Islamische Reihe 1), kairo 1959 (b).
 3. Ibid, "Persische Diplomatik im Überblick – Ergebnisse und Probleme", Der Islam 37 (1961). S. 202-245.
- چکیده‌ای به زبان انگلیسی، به بیانی دقیق‌تر فرانسوی به قلم بوسه در مدخل: «Diplomatic: III. Persia» در چاپ جدید دایرةالمعارف اسلام Encyclopaedia of Islam ارائه شده است.
۴. به عنوان مثال، موارد متعددی، حتا از دوره‌های قدیم، درخور ذکر است:
- Roemer, Hans Robert, Staatsschreiben der Timuridenzeit: Das Šarāfnāmā des ʿAbdallāh Marwārīd in kritischer Auswertung, Wiesbaden 1952.
 - Hinz, Walther, Die Resāla-yi Falakiyyā des ʿAbdollāh Ibn Moʿammad Ibn Kiyā al-Māzandarāni: Ein perischer Leitfaden des staatlichen Rechnungswesens (um 1363) (Veröffentlichungen der Orientalischen Kommission der Akademie d. Wiss. Und d.

Literatur in Mainz 4), Wiesbaden 1952.

- Horst, Heribert, Timūr und ʿĀlī: Ein Beitrag zur Geschichte der Safawiden (Akademie d. Wiss. u. D. Lit., Abhandlungen d. geistes- und sozialwiss. Klasse 1958/2), Mainz 1958.
 - Ibid, Die Staatsverwaltung der GrosseŪqen und ʿĀlī (1038-1231): Eine Untersuchung nach Urkunden formularen der Zeit, (Akademie der Wissenschaften und der Literatur. Veröffentlichungen der orientalischen Kommission 18) Wiesbaden 1964.
 - Göyünç, Nejat, Das sogenannte ʿĀlī-Ūl-Ūsāb des ʿĀlī as-Sarāwī: Ein Leitfaden des staatlichen Rechnungswesens von ca. 1340, diss. Phil. Göttingen 1962.
 - Nabipour, Mirkamal, Die beiden persischen Leitfäden des Falak ʿĀlī-yi Tabrīzī über das staatliche Rechnungswesen im 14. Jahrhundert, Göttingen, Diss. phil. 1973.
 - Herrmann, Gottfried, Der historische Gehalt des "Nāmā-yi nāmī" von ʿĀdamīr, Diss. phil., Göttingen 1968.
 - Minorsky, Vladimir, "Some Early Documents in Persian", JRAS 1942, S. 181-198, 1943, S. 86-99.
5. Chubua, Makar, Persidskie firmany i ukazy Muzeja Gurzii. Bd. 1, Tiflis 1949.
- Puturidze, V. S., Gruzino-persidskie istori'eskie dokumenty, Tiflis 1955.
 - Papazijan, H., "Persidskie dokumenty Matendarana I: Ukazy, vypusk pervyj (XV-XVI vv.), Erwan 1959.

bulunan bir ek-firmülün açıklaması hakkında”, Németh Armagnac, Ankara 1962, S. 389-393.

- Ibid, “Elk Sefevî çahlañnñn Türkçe çakartımlar iki senedi”, Vostočnaja Filologija/Philologia Orientalis (Tiflis) 3 (1973).

10. Ibid, Einführung in die persische Paläographie: 101 persische Dokumente, Hrsg, G. Hanzi, Budapest 1926.

11. Aubin, Jean, "Archives persanes commentées 2. Note préliminaire sur les archives du Takya du Tchima-Rud, Teheran 1955.

- ibid, “Archives persanes commentées 1. Note sur quelques documents Aq Qoyunlu”, Mélanges Louis Massignon Bd. 1, Damaskus 1956, S. 123-147.

12. Horst, Heribert, ibid.

- ibid., “Ein Immunitätsdiplom Šāh Muḥammad Ēudābandās vom Jahre 989/1581”, ZDMG 105 (1955), S. 289-297.

- Ibid., “Zwei Erlasse Šāh Óahmāšps I.”, ZDMG 110 (1960), S. 307.

13. Angel, H. E., "Archives in developing Countries: Iran as a Case-Study", The American Archivist 35 (1972), S. 173-181.

- سیروس پرهام، «اسناد سازمان اسناد ملی ایران»، راهنمای کتاب، سال ۱۷ (۱۳۵۳)، ش ۴-۶، صص ۴۰۹-۴۱۴.

- اصغر مهدوی؛ ایرج افشار، مجموعه اسناد و مدارک چاپ نشده درباره سیدجمال‌الدین مشهور به افغانی، تهران، ۱۳۴۲.

- بهترین مرور بر تحول امور آرشیوی ایران و پژوهش اسنادی را، بتازگی کار زیر ارائه داده است:

Afshar, Iraj, "Neuere archivstudien in Iran: Übersicht und Bibliographie”, Die Islamische welt zwischen Mittelalter und Neuzeit. Festschrift für Hans Robert Roemer, (Beiruter

- Ibid, “Persidskie dokumenty Matendarana I: Ukazy, vypusk pervyj (1601-1650), Erwan 1959.

برای شرق‌شناسان شایسته روسی و به بیانی دقیق‌تر، شوروی، از تحقیقات فرمان‌های فارسی از دوران‌های نسبتاً قدیم مقایسه کنید:

- Busse 1959 b, p.3.

- Roemer, Hans Robert, “Vorschläge für die Sammlung von Urkunden zur islamischen geschichte Persiens”, ZDMG 104 (1954);

- Ibid, “Über Urkunden zur geschichte Ägyptens und Persiens in islamischer Zeit”, ZDMG 107 (1957);

- Fekete, Ludwig (Lajos): “Arbeiten der grusinischen Orientalistik auf dem gebiete der türkischen und persischen Paläographie und die Frage der Formel ‘sözümüz’ “, Acta Orientalia Academiae Scientiarum Hungaricae, Jg. 7 (1957), S. 1-20.

6. Roemer, Hans Robert, “Inshā”, The Encyclopaedia of Islam, New Edition, Bd. 3, S. 1241-1244.

۷. هانس ربرت رویمر، «گردآوری مکاتبات تاریخی ایران»، فرهنگ ایران زمین، سال ۴ (۱۳۳۵ ش.)، صص ۱۴۵-۱۵۸.

8. Fekete, Ludwig (Lajos): "Arbeiten der grusinischen Orientalistik auf dem gebiete der türkischen und persischen Paläographie und die Frage der Formel ‘sözümüz’ “, Acta Orientalia Academiae Scientiarum Hungaricae, Jg. 7 (1957), S. 1-20.

9. Ibid, “A fetĪnāméról”, Magzar Tudományos Akadémia Nyelvés Irodalomtudományi Osztályának Közleményei 19 (1962), S. 65-11.

- Ibid, “Birtakim farsça belgelerde



- تهران ۱۳۵۴؛ و جلد ۷، تهران ۱۳۵۴.
۱۸. حسین مدرسی طباطبائی، *تاریخ پاکان: آثار و بناهای قدیمی محدوده کنونی دارالسلام قم*، ج اول و ج دوم، قم ۱۳۵۳ش.
۱۹. جهانگیر قائم مقامی، *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*، تهران ۱۳۵۰ش، صص ۹۰-۹۵، ۱۹۴، ۲۳۳. برای سمت‌های یادشده مقایسه کنید:
- Savory, Roger M., „The Principal Offices of the Nafavid state during the Reign of IsmÁ‘il I (907-30/1501-24)”, BSOAS, 23 (1960), p. 91-105.
- Ibid, „The Principal Offices of the Nafavid state during the Reign of ÓahmÁsp I”, (930-84/1524-76)”, BSOAS, 24 (1961), p. 65-85.
- در هر حال، همچنین آشنائی مشروح با امور اسنادی صفویه را، می‌توان به وسیله سمسار به دست آورد:
- محمدحسن سمسار، «فرمان‌نویسی در دوره صفوی»، بررسی‌های تاریخی، سال ۲ (۱۳۴۶ش)، ش ۶ صص ۱۲۷-۱۵۲؛ سال ۳ (۱۳۴۷ش)، ش ۱، صص ۶۱-۸۵؛ ش ۲، صص ۱۳۵-۱۴۹.
۲۰. جهانگیر قائم‌مقامی، *اسناد فارسی، عربی و ترکی در آرشیو ملی پرتغال درباره هرمز و خلیج فارس*، ج اول: مسئله هرمز در روابط ایران و پرتغال، تهران ۱۳۵۴ش.
- همان، «اسناد فارسی، عربی و ترکی در آرشیو ملی پرتغال درباره هرمز و خلیج فارس»، بررسی‌های تاریخی، سال دوازدهم (۲۵۳۶ش)، ش ۲، صص ۱۲۳-۱۶۴؛ ش ۳، صص ۱۶۱-۲۰۸؛ ش ۴، صص ۱۹۳-۲۱۴؛ ش ۵، صص ۱۸۹-۲۲۴؛ سال ۱۳ (۲۵۳۷ش)، ش ۱، صص ۱۹۱-۲۱۸.
۲۱. مدرسی طباطبائی، *مثال‌های صدری صفوی: بررسی کوتاهی درباره یک نوع از اسناد دیوانی دوره صفوی*، قم ۱۳۵۳ش.
۲۲. عبدالحسین نوائی، *اسناد و مکاتبات تاریخی ایران از تیمور تا شاه اسماعیل*، تهران ۱۳۴۱ش.
- همان، *شاه اسماعیل صفوی: اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفصیلی*، منابع تاریخ و جغرافیای ایران ۱۷، تهران ۱۳۴۷ش.
- Texter und Studien 22), Beirut-Wiesbaden 1979, S. 25 ff.
14. Alarjan, P., *Dokumenty ob armjano-persidskich snošenijach*, Eriwan 1927; Chubua 1949; Puturidze 1955; Papazijan 1959 a. & b.
15. Busse 1959 b, S. 250-257.
۱۶. «اسناد و نامه‌ها»، مجله هور، سال ۱ (۱۳۵۰ش)، ش ۱، صص ۵۱-۶۰؛ ش ۳/۴، صص ۱۳۴-۱۴۶؛ سال ۱ (۱۳۵۱ش)، ش ۱۱، صص ۶۰-۶۴.
- حسین بایوردی، «پنج فرمان تاریخی»، بررسی‌های تاریخی، سال ۴ (۱۳۴۸ش)، ۳/۲، صص ۶۷-۸۰.
- همان، *تاریخ ارسباران*، تهران، ۱۳۴۱ش.
- محمدتقی دانش‌پژوه، «اسناد آستانه درویش تاج‌الدین حسن ولی در نیاک لاریجان»، نسخه‌های خطی (نشریه کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه تهران)، سال چهارم (۱۳۴۴ش)، صص ۴۸۱-۶۴۸.
- محمدعلی هدایتی، *آستانه ری: مجموعه اسناد و فرامین*، تهران، ۱۳۴۴ش.
- حسین مدرسی طباطبائی، «اسناد و احکامی از خاندان افشاری ارومی»، بررسی‌های تاریخی، سال ۷ (۱۳۵۱ش)، ش ۳، صص ۱۴۵-۲۰۲.
- همان، «فرمان‌های ترکمان‌های قره قوینلو و آق قوینلو، قم، ۱۳۵۲.
- همان، «فرمان‌های امرای ترکمان در تفویض تولیت آستانه قم»، فرهنگ ایران زمین، سال ۱۹ (۱۳۵۲ش)، صص ۱۱۸-۱۳۵.
- محسن مفخم، «اسناد و مکاتبات تاریخی»، بررسی‌های تاریخی، سال ۱ (۱۳۴۵ش)، ش ۳، صص ۱۶۷-۱۷۴؛ سال ۲ (۱۳۴۶ش)، ش ۳/۴، صص ۳۶۱-۳۶۶؛ ش ۵، صص ۱۵۱-۱۶۲.
- کرامت رعنا حسینی، «محمدشاه قاجار و خوشنویسان شیراز»، راهنمای کتاب، سال دوازدهم (۱۳۴۸ش)، صص ۷۲-۷۳.
- همان، «سی فرمان از محمدشاه برای خوشنویسان شیرازی»، هنر و مردم، سال ۱۶ (۲۵۳۵ش)، ۱۸۴-۱۸۵، صص ۸۳-۸۵.
۱۷. مسیح ذبیحی، *منوچهر ستوده، از آستارا تا استرآباد*، ۶ جلد،

- Afganistane, Moskau 1974.
- Muchtarova, A., Materialy po istori Ura-Tjube, Moskau 1963.
 - 25. Keçik, Mehmet Sefik, Briefe und Urkunden aus der Kanzlei Uzun-Íasans: Ein Beitrag zur Geschichte Ost-Anatoliens im 15. Jahrhundert, Islamkundliche Untersuchungen 29, Freiburg 1975.
 - 26. Ekbal, Kamran, Der Briefwechsel Abbās Mirzas mit dem britischen Gesandten MacDonald Kinneir im Zeichen des zweiten russisch-persischen Krieges (1825-1828). Ein Beitrag zur Geschichte der persisch-englischen Beziehungen in der frühen Kadscharenzeit, Islamkundliche Untersuchungen 43, Freiburg 1977.
 - 27. Fekete – Hanzai 1977 (ibid.).
 - 28. Herrmann 1968 (ibid.).
 - Ibid., “Urkundenfunde in ÀġarbāyĒĀn”, Archaeologische Mitteilungen aus Iran, Neue Folge, 4 (1971), S. 249-262.
 - Ibid., “Ein Erlaß des ‘alāyeriden SolÔān Íoseyn”, Göttinger Orientforschungen, I. Reihe: Syriaca, Bd. 3 (Erkenntnisse und Meinungen I), Wiesbaden 1973, S. 135-163.
 - Ibid., “Zur Intitulatio timuridischer Urkunden”, Vorträge des XVIII. Deutschen Orientalistentages, ZDMG Supplement II, Wiesbaden 1974, S. 498-521.
 - Ibid.; Doerfer, Gerhard, “Ein persisch-mongolischer Erlaß des ‘alÁyeriden ŠeyĪ Oveys”, Central Asiatic Journal, 19 (1975), S. 1-84.
۲۹. برای اطلاع از جزئیات بیشتر درباره این کشف بنگرید به:
- همان، شاه طهماسب صفوی: مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفصیلی، منابع تاریخ و جغرافیای ایران ۳۶، تهران ۱۳۵۰ ش.
 - همان، شاه طهماسب صفوی: مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفصیلی، ۲ جلد، منابع تاریخ و جغرافیای ایران ۵۴ و ۶۱، تهران ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ ش.
 - 23. Musävi, T. M., Baky tarichinā dair farsdilli sänädlär, Baku 1967.
 - Orta äsr AzärbajĒan tarichinā dair fars dilindä jazylmyš sänädlär, Baku 1965.
- برای اسنادی از آذربایجان شوروی:
- Orta äsr AzärbajĒan tarichinā dair farsdili sänädlär (XVI-XVIII äsrlär), Baku 1977.
 - Papazjan, A. D., Persidskie dokumenty Matenadarana II: Kup’ie, vypuak pervyj (XIV-XVI vv.) Eriwan 1968.
 - Puturidze, V. S., Persodsloe ostpri’ieskie dokumenty v Knigochranilišlach Gruzil. Knia I vypusk 1, Tiflis 1961; vypusk 2, Tiflis 1962; vypusk 3, Tiflis 1965; vypusk 4, Tiflis 1977.
24. Ĥechoviĭ, Olga D., “Zada’i sredneaziatskoj diplomatiki”, Narody Azii i Afriki 6 (1969), p. 75-82.
- جدیدترین انتشارات اسناد، برای نمونه موارد بیش‌تری قابل ذکر است:
- Bregel’, Ju. E., Documentry archiva Chivinskich chanov po istorii I etnografii karakalpakov, Moskau 1967.
 - Ĥechoviĭ, Olga D., Documenty k istorii agranych otnošenij v Bucharskom chanstve. Vzpusk pervzj: Akty feodal’noj sobstvennosti na zemlju XVII-XIX vv., Taschkent 1954.
 - Ibid, Samarkandskie dokumenty XV-XVI vv. O vladenijach Chodġi Aîrāra v Srednej Azii i



- (1960), S. 91-105.
- Ibid., "The Principal Offices of the Āfāvid State during the Reign of ÓahmÁsp I (930-84/1524-76)", BSOAS 24 (1961), S. 65-85.
33. Fragner, Bert, "Der Schah im Schriftverkehr mit dem Abendland", Vorträge des 18. Deutschen Orientalistentages 1972, ZDMG Supplement II, Wiesbaden 1974.
۳۴. در این‌جا، توجه شما را به مقدمه فکته - هانزای (۱۹۷۷) جلب می‌کنیم که اطلاعات دیرینه‌شناسی مفیدی از آن مستفاد می‌شود. کاری در مورد مهرهای تاکنون شناخته شده شاهان صفوی برای مثال بر اساس منابع فهرستنامه ما براحتی قابل ارائه و مطمئناً قابل تقدیر خواهد بود.
35. Roemer 1954 (ibid.), S. 364.
36. Roemer 1957 (ibid.), S. 519.
- Fragner, Bert, "Das Ardabīler Heiligtum in den Urkunden", Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes, 67 (1975), S. 169-215, S. 171-3.
30. Busse 1961 (ibid.) p. 242-4۴.
۳۱. برای بهره‌گیری از دانش هرمان از شناسنامه‌های اسناد دیوان تیموری بنگرید به: Herrmann ۱۹۷۴ (Ibid).
۳۲. اسناد شماره ۹۷، ۹۸، ۱۰۸ و ۱۱۱ فهرستنامه حاضر. آن‌ها به طور مشترک به وکیل نفس نفیس همایون، کفیل تاجدار در ابتدای دوره صفویه بازمی‌گردند (بسنجید با آثار ذکر شده سیوری در ذیل). احتمالاً مرتبه بالا در مخاطب فوق تغییری برای مقدمه نوعی سند ویژه بود که ابتدا شاید فقط برای فرمان‌ها استفاده می‌شد و مربوط به حامل این سمت بود.
- Savory, Roger M., "The Principal Offices of the Āfāvid State during the Reign of IsmÁÁYīl I (907-84/1501-24)", BSOAS 23

